

بیریت تامین کسری بودجه پایاست کسری مالی

غلامحسین خورشید

هزینه‌های دولت از طریق دریافتها، مثل مالیاتها، حق - الزحمه ها وقرضه‌هایی که از عموم گرفته می‌شود تا مین نگردد، در این صورت، دولت می‌تواند این هزینه اضافی را بوسیله پایین آوردن موازنه نقدی خود از طریق بانک مرکزی یا در ارتباط با اسناد خزانه تامین کند. تمامی این روشهای تامین مالی کسری مالی در توسعه عرضه پول توسط بخش عمومی موثر است. کسری مالی دلالت دارد بر افزایش مستقیم هزینه خالص ملی از طریق کسری بودجه که کسریهای حساب در آمد و یا حساب سرمایه‌اند. اساس یک چنین سیاستی در جهت افزایش درآمد های مالیاتی، وامهای گرفته شده از عموم، سپرده‌ها و سرمایه‌ها و دیگر منابع متفرقه و گوناگون مرتبط با مخارج دولت، قرار دارد.

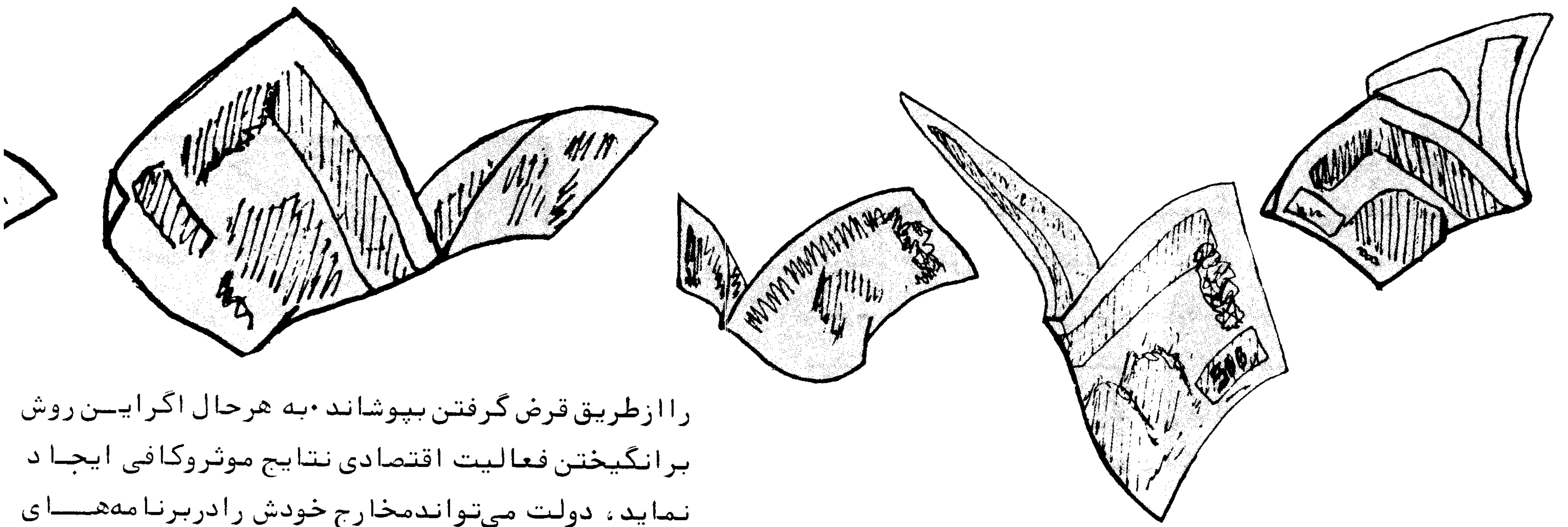
دولت از طریق پایین آوردن توازن متراکم، یا بوسیله قرض گرفتن از نظام بانکی خصوصا " از بانک مرکزی کشور و در نهایت ایجاد پول، کسری را می‌پوشاند. به این ترتیب کسری مالی قسمتی از هزینه دولت است که از طریق پایین آوردن موازنه نقدی دولت و یا بوسیله توسل به قرضه از بانک مرکزی قابل جبران است. بنابراین کسری مالی قسمتی از هزینه دولت است که مازادی خالص در ارتباط با عرضه پول را وارد جامعه می‌کند. بین روشهایی که کشور های توسعه نیافته و توسعه یافته درباره کسری مالی به کار می‌گیرند یک تفاوت وجود دارد. در کشورهای پیشرفته جبران کسری مالی با قرض گرفتن دولت از نظام بانکی صورت می‌گیرد و آن وقتی است که دولت اوراق بهادار را یا به سپرده‌گذاران فردی یا بانکها و یا مستقیما " به بانکها می‌فروشد، یعنی در هر دو صورت توسط نظام بانکی اعتبار اضافی جبران می‌گردد. در کشورهای توسعه نیافته که بانکداری توسعه یافته وجود ندارد کسری مالی به شکل قرض دولت از بانک مرکزی در قبال کل نظام بانکی جلوه‌گر می‌شود. بانک مرکزی در عوض انتشار سپرده‌های اوراق بهادار دولتی به انتشار اسکناس مبادرت می‌ورزد. به این ترتیب، کسری مالی در نهایت منجر به تجزیه ابزار انتشار بیشتر می‌گردد.

کسری مالی و کسری بودجه: کسری مالی از کسری بودجه قابل تشخیص است. وقتی که درآمد های جاری نتوانند هزینه‌های جاری را بپوشاند گفته می‌شود که کسری بودجه

در مقایسه با مخارج خصوصی، به کارگیری سیاست کسری مالی جهت حفظ سطح کل مخارج، یا تقاضای موثر لازم در اقتصاد برای خرید بازده اشتغال کامل با قیمتهای جاری در تورم اقتصادی ۱۹۳۰، کشف مهمی به حساب می‌آید. امروزه اطمینان به تداوم سطوح بالای فعالیت اقتصادی وسیله‌ای مهم در دست دولت های کشور های پیشرفته است. اخیرا " کشورهای توسعه نیافته بطور روز افزون، به شناخت عوامل و امکانات بالقوه خود در جهت افزایش منابع موجود برای توسعه دست یافته‌اند. بعنوان مثال هند، یک نوع استفاده آزاد از سیاست کسری مالی به منظور پیشبرد طرحهای توسعه اقتصادی خود را آغاز کرده است.

توسعه

ارائه یک تعریف دقیق از مفهوم سیاست کسری مالی که در تمامی کشورها و در تمامی زمانها کاربرد داشته باشد امکان پذیر نیست. یک تعریف ارائه شده این است که منظور از کسری مالی داشتن کسری خالص در قدرت خرید اقتصادی حاصله از عملیات بودجه‌ای است. سیاست کسری مالی زمانی به اجرا در می‌آید که



را از طریق قرض گرفتن بیوشاند. به هر حال اگر این روش برانگیختن فعالیت اقتصادی نتایج موثر و کافی ایجاد نماید، دولت می‌تواند مخارج خودش را در برنام‌های امور عمومی افزایش دهد. در این حالت در آمد مالیاتی دولت ثابت می‌ماند، اما هزینه‌هایش با لامی‌رود و کسری مجدد از راه قرض دادن ایجاد می‌شود. در این حالت، سرمایه‌گذاری دولت شکل می‌گیرد و سطح درآمد ملی و اشتغال ملی بوسیله دوره‌های فزاینده افزایش در سرمایه‌گذاری اولیه دولت افزایش می‌یابد. به این ترتیب، کسری مالی در جهت وجود آمدن اشتغال اضافی زمانی می‌تواند موثر باشد که اقتصاد از کمبود تقاضای موثر در رنج است. این عمل یک وسیله بهبود پس از رکود است و در جهت تعدیل منحنی ترقی و تنزل دوره‌ای به کار برده می‌شود.

در این رابطه سه مشکل مطرح می‌شود: یکش اولیه، گذراندن کسری دوره‌ای و گذراندن کسری عام جهت پر کردن شکاف تورم. روش اخیر بوسیله کینز متداول شده است. قبل از او یک مقداری تعصب بیجان نسبت به دولت و بر علیه او در ارتباط با تجربه کسری مالی وجود داشت اقتصاددانان کلاسیک بر ضد سیاست کسری مالی - بجز برای امور مالی شرکت‌های تولیدی - نظر می‌دادند. این مخالفت با کسری مالی از طرف دیگر بر اساس این فرض بود که در اقتصاد بخش خصوصی سطح فعالیت‌ها همیشه تمایل به اشتغال کامل دارد. بطور آشکارا اگر اشتغال کامل در اقتصاد قبلاً ایجاد شده باشد، هزینه‌های دولت و اداره امور مالی بوسیله ایجاد پول، وسیله‌ای برای ایجاد افزایش تورمی قیمت‌ها خواهد بود. این ترس از تورم بطور ثابت و مداوم اقتصاددانان کلاسیک را تحت تاثیر وحشت قرار می‌داد و علت اصلی آن توافق آنها بر علیه کسری مالی بود. کینز به نحو موثری در یک موقعیت که عدم اشتغال نیروی کار در یک حجم وسیع و افزایش ظرفیت اوراق سرمایه وجود داشت نظر خود را بر این اساس منتشر نمود که ترس از کسری مالی که موجب تورم خواهد شد

به وجود آمده است. در چنین حالتی هیچ فقره‌ای از حساب سرمایه در حد مورد نظر تامین نمی‌گردد. به عبارت دیگر، وقتی که مانده فقط به دریافت‌های جاری بلکه به دریافت‌های سرمایه‌ای مثل قرضه عمومی نیز نظر داشته باشیم باز هم می‌توانیم شکاف بین دریافت‌ها و هزینه‌ها را مشاهده کنیم که حاکی از کسری مالی است. روش به کار گرفته شده مالی جهت پوشاندن این شکاف سیاست کسری مالی نام دارد. به عبارت دیگر، در حالت کسری مالی، حجم کسری بودجه در وضعیت کسری بودجه کل اندازه‌گیری می‌شود (مثل تراکم کسری در حساب‌های درآمد و هزینه).

مورد استفاده از کسری مالی

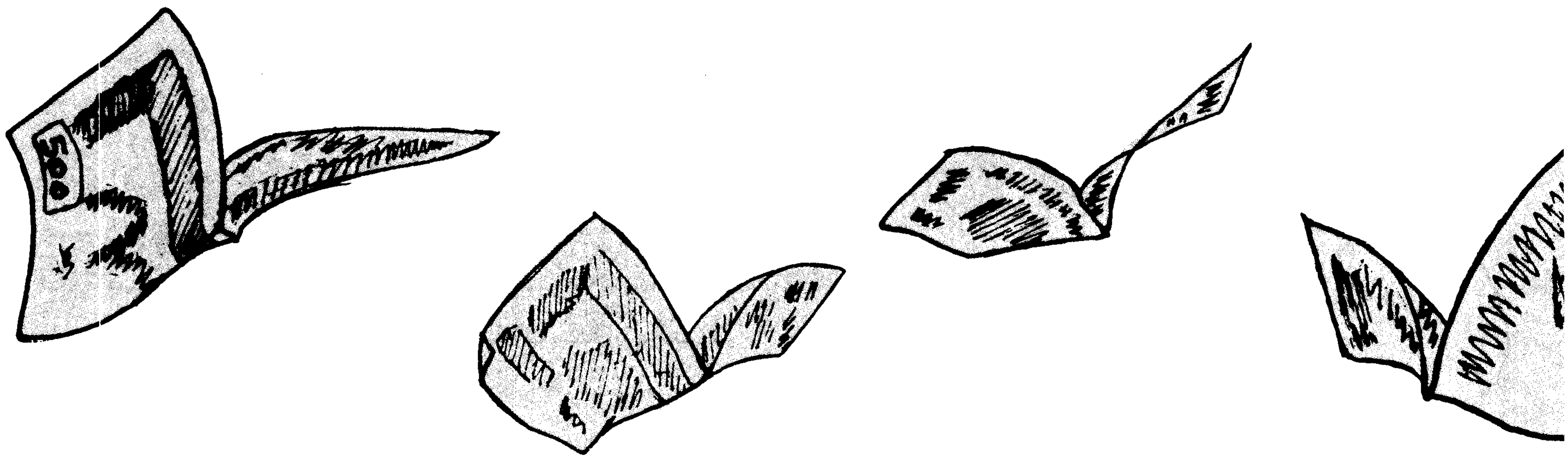
سه نوع موقعیت و وضعیت وجود دارد که در آن توسل به کسری مالی ضرورت پیدا می‌کند:

الف) - برای تجهیز جنگ،
 ب) - برای توسعه اقتصاد مالی،
 ج) - برای مبارزه با رکود.

ما مورد جنگ را کنار می‌گذاریم و در باره دوم مورد دیگر بحث می‌کنیم:

کسری مالی در ضمن رکود

در باره علل عدم اشتغال در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته گفته شده است که کمبود تقاضای موثر علت اصلی عدم اشتغال دوره‌ای است و در این چنین حالتی تنها چاره افزایش تقاضای موثر است. در اینجاست دولت می‌تواند برای مقابله بر چند راه تکیه کند، از جمله برانگیختن انگیزه مصرف و سرمایه‌گذاری خصوصی و نیز پایین آوردن نرخ مالیات، در زمانی که هزینه مربوط به آن ثابت است، می‌باشد. در این حالت دولت باید بیشتر از مقادیر مالیات دریافتی، خرج نماید، به این ترتیب کسری مالی



است. در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، وظیفه شکل‌گیری سرمایه به عهده بخش خصوصی است، اما در کشور-های فقیر مردم به امور مربوط به سرمایه‌گذاری و تشکیل شرکت‌ها تمایل دارند. بنابراین، در اینگونه کشورها که می‌خواهند سریعاً "توسعه یابند"، مسئولیت این امر به عهده دولت‌ها می‌باشد. رشد اقتصادی فقط از طریق افزایش نرخ سرمایه‌گذاری می‌تواند تسریع شود. نیاز به منابع اضافی در حالت عدم کفایت کمک‌های خارجی فقط از طریق افزایش پس‌اندازهای داخلی تامین خواهد شد. یک راه افزایش پس‌اندازهای داخلی از طریق تلاش اضافی بصورت اختیاری در بخش عمومی، بوسیله پس‌اندازهای کوچک می‌باشد. این پس‌اندازها به منابع موجود دولت اضافه می‌کند. اما در یک کشور که اکثریت مردم در حد زندگی معیشتی (بخور و نمیر) هستند، حاشیه و مرز بین درآمد مصرف خیلی کم است. بنابراین، پس‌انداز-های اختیاری اگرچه مطلوبند، نمی‌توانند به خودی

امری بی‌اساس است. به همین دلیل زمانی که اشتغال بیشتر توسط پوشاندن کسری در قیمت دولتی ایجاد شود، بطور همزمان موجب افزایش در عرضه محصول می‌شود. وقتی که رکود است، افزایش در عرضه هیج اثری در هزینه‌های متوسط و نهایی نمی‌تواند داشته باشد. بنابراین، تقاضای اضافی، عرضه اضافی محصول را بدون اثر افزایشی قیمت‌ها فراهم می‌آورد. به این ترتیب، در حین رکود، اداره امور مالی بوسیله هزینه‌های دولت، از طریق کسری مالی بهتر از افزایش نرخ‌های مالیات است که بعضی آثار منفی در مصرف و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را ایجاد می‌کند. و از این طریق تقاضای موثر بخش خصوصی را کاهش می‌دهد. به این ترتیب، انبساط موثر مخارج دولت تا حدودی بوسیله انقباض و اثر انقباضی مالیات‌های بالاتر در مصرف و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خنثی خواهد شد.

اگر هزینه اضافی دولت بوسیله ایجاد پول تامین مالی شود این تاثیر مخالف در بخش خصوصی باقی خواهد ماند و اثر انبساطی هزینه دولت بطور مرتبگی بیشتر خواهد شد. مخارج افزوده، کمبود تقاضای موثر را جبران کند و چرخ‌های راکد ماشین تولید را به حرکت و خواهد داشت. به این ترتیب، کسری مالی ثبات اقتصادی را فراهم می‌سازد.

نقش کسری مالی در اقتصاد در حال توسعه

برای کسری مالی چه محدوده‌ای وجود دارد تا بتوان یک وسیله و ابزار توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته به کار گرفته شود؟ مساله اساسی که این کشورها با آن مواجهند عبارت از رشد جمعیت و سرعت آن است که این سرعت بیشتر از نرخ شکل‌گیری سرمایه می‌باشد.

اگر این کشورها بخواهند برای نیروی کار، اشتغال کامل را فراهم آورند نیاز به سرمایه زیادی خواهند داشت برخلاف کشورهای پیشرفته، مساله کشورهای توسعه نیافته کمبود تقاضای موثر نیست بلکه کمبود سرمایه





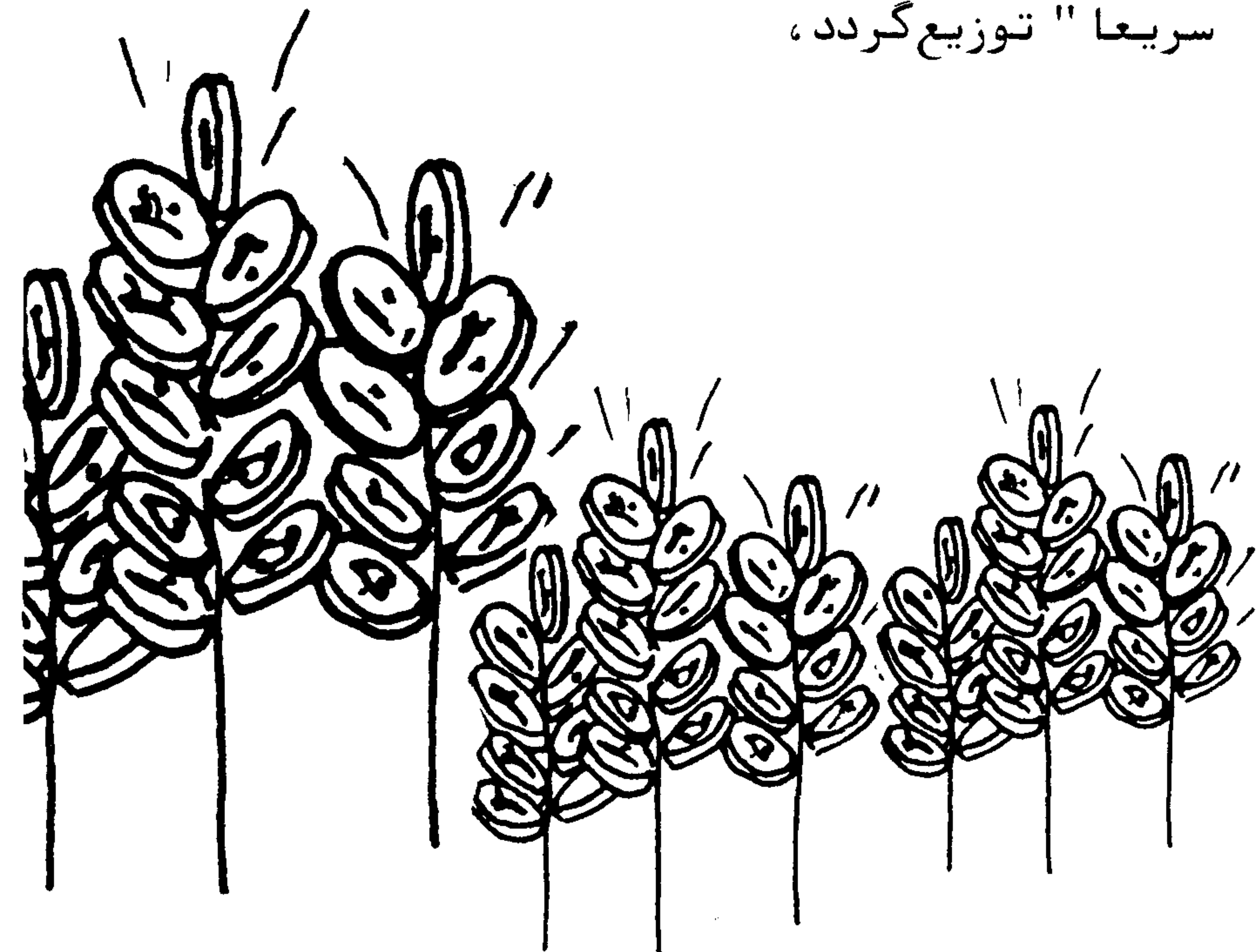
اقتصادی،

- ج) - بوسیله به کارگیری منابع به کارگرفته نشده و
 مازاد نیروی انسانی بطور کامل،
 د) - از طریق تجهیز منابع انسانی برای توسعه.

احتیاطها

يك خطر ذاتی توری در استفاده از سیاست کسر مالی وجود دارد که در جهت ثبات اقتصادی برضد آن باید اقدام شود برای جلوگیری از این خطر رعایت موارد احتیاطی زیر در استفاده از سیاست کسری مالی ضروری است؛

- ۱- کسری مالی فقط بعنوان دارویی ملایم و آرام بخش به کارگرفته شود و در ارتباط با این هدف باید مراقب شاخص قیمتها بود،
- ۲- قیمتهای کالاهای مصرفی و مواد اولیه اساسی بنحو موثری باید کنترل شود،
- ۳- از افزایش مورد نظر در ارتباط با کالاهای موجود بایستی مطمئن شد. در این مورد باید لزوماً "فعالیتها در پروژههای با بازده سریع متمرکز گردد،
- ۴- به منظور پایین نگه داشتن قیمت غله و اغذیه صادراتی باید در زمانهای مناسب مقادیر مناسبی از آنها سریعاً " توزیع گردد،



خود برای توسعه منابع کافی فراهم آورند. دولت باید در جهت افزایش حجم منابع بوسیله مالیاتهای اضافی تلاش کند. هنوز به دلیل گسترش فقر، توده انبوهی از مردم علاوه بر مشکلات سیاسی و اقتصادی دیگر با مشکل مالیات اضافی مواجه اند. از طرفی سطوح درآمد و افزایش میل به مصرف و تراکم سرمایه در اقتصاد کم است. سرمایه گذاری در مقایسه با نیازهای ملی، ناکافی می باشد. سطح تولید درآمدها، پس اندازها و در نتیجه سرمایه گذاریها، بنحو کافی و مناسب نمی تواند افزایش یابد بنابراین در این گونه اقتصادها، باید به شکستن دور و تسلسل فقر همت گماشت. از آنجا که هزینه مورد نیاز سرمایه گذاری برای سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی از نظر امور مالی آنقدر زیاد نیست که از طریق رشته های معمولی درآمد تامین شود، کسری مالی اجتناب ناپذیر می شود. همانطور که قبلاً " خاطر نشان کردیم کسری مالی در ایجاد پول جدید نتیجه بخش است. افزایش در عرضه پول، باعث افزایش قیمتها می شود، زیرا عرضه کالاهای در مدت زمان کوتاه به نسبت افزایش قدرت خرید مردم نمی تواند افزایش یابد و حرکت کند. نتیجه افزایش قیمتها، افزایش سود موسسات است و این افزایش باعث تشویق سرمایه گذاری در بخشهای مربوطه می شود و به این ترتیب، افزایش در سرمایه گذاری بخش خصوصی پدیدار می گردد. افزایش سرمایه گذاری در بخش عمومی از طریق کسری مالی باعث می شود مقدار زیادی پول در دسترس دولت قرار گیرد که از آنها در بخشها و موسسات عمومی استفاده می گردد و پروژههای چند بعدی شکل می گیرد و ساختار وزیر بناهای اساسی تحقق می یابد. همه این موارد توسعه اقتصادی را تسریع می کند و به این ترتیب کسری مالی برای دولت امکان ایجاد منابع تولید را که دارای مطلوبیت بسیار هستند فراهم می آورد. به این صورت، کسری مالی انگیزه توسعه اقتصادی را هم در بخش خصوصی و هم عمومی تحریک می کند، و نیز توسعه اقتصادی را از طریق کاهش مصرف بوسیله افزایش قیمت فراهم می آورد. در یک کلام می توان گفت سیاست کسری مالی، توسعه اقتصادی را از طرق زیر سرعت می بخشد:

- الف) - بوسیله کمک به ایجاد سرمایه بارور مازاد،
 ب) - بوسیله ایجاد هزینه با لاسری اجتماعی و

۵- افزایش حقوقها و دستمزدها باید تحت بررسی قرار گیرند تا مبادا دچار دور و تسلسل شوند،

۶- از افزایش قدرت خرید مردم در سطح عمومی بایست جلوگیری شود. افزایش عرضه پول باید از طریق مالیات گرفتن و قرض گرفتن و نیز بوسیله جذب طرحهای پسانداز کوچک خنثی شود،

۷- علاوه بر موارد بالا، تدارک کافی و موثر امور اداری جهت اطمینان یافتن از تعاون عمومی، جهت بازداشتن نتایج وضعیت سخت اقتصادی در اثر کار برد آزادانه سیاست کسری مالی، اساسی می باشد.

نتایج کسری مالی

اثرات احتمالی کسری مالی عبارتند از:

الف-) افزایش عرضه پول در سطح عموم،

ب-) افزایش سطح درآمدها،

ج-) افزایش سطح عمومی قیمتتها.

از آنجاکه کسری مالی در ارتباط با اهداف جنگ ویا برای ایجاد بهبود پس از رکود ویا برای شروع فرآیند رشد اقتصادی مطلوب می باشد، نتیجه سریع آن افزایش عرضه کل پول در سطح ملی است. بهر حال گسترش حقیقی درآمد جاری، به سیاست اعتباری بانک مرکزی و بانکهای تجاری و موازنه موقعیت پرداختها، بستگی دارد. سیاست کسری مالی همچنین در جهت افزایش سطح درآمد نتیجه بخش است. افزایش مخارج دولتی بوسیله کسری مالی به درآمد مردم در شکل حقوقی و دستمزد، اجاره، بهره، سود و مانند آن اضافه می کند. مقدار زیادی از مخارج عمومی سرمایه گذاری تجاری را گسترش می دهد و در نتیجه موجب افزایش درآمد ملی می شود. اما موثرترین اثر کسری مالی در ارتباط با سطح قیمتتها است. همانطور که ربا لا ذکر شد، کسری مالی در جهت بسط عرضه پول در سطح ملی، نتیجه موثری می دهد و تمایل به ایجاد تورم را دارد، مادر زیر در ارتباط با این تاثیر بحث می کنیم.

کسری مالی و تورم

اعمال سیاست کسری مالی در حین رکود در کشورهای پیشرفته، به علت ماهیت حساس منحنیهای عرضه و تولیدات، فشارهای تورمی ایجاد نمی کند. هزینههای اضافی دولت افزایش در تقاضای موثر را بر اساس اهمیت

چند جانبه آن باعث می شود و در آن مسیر هدایت می نماید. مشابه آن وقتی که عرضه محصول به آسانی می تواند افزایش یابد و منجر به افزایش تقاضا گردد، به فشارهای تورمی نیازی نیست. در کشورهای پیشرفته در خلال رکود، مقدار زیادی ظرفیت اضافی در نظام اقتصادی ایجاد می شود که یک افزایش را در محصولات و ستادهها بدون هیچ نوع مشکلی، ارائه می نماید. این وضعیت در کشورهای توسعه نیافته، به هر حال متفاوت است. اینجا افزایش در سرمایه گذاری، تقاضای اضافی ایجاد می نماید، اما افزایش مربوط به عرضه محصول نمی تواند مورد پذیرش واقع شود. ابتدای کشور توسعه نیافته، از کمیابی سرمایه رنج می برد و هیچ نوع ظرفیت اضافی مطلوب برای ایجاد عرضه کالاهای مصرفی ندارد. علاوه بر این کار مزد صنعت و نیز کشاورزی از عدم حساسیت منحنی



عرضه در کوتاه مدت رنج می برد. درزیست و معاش کشاورزی، وقتی که تقاضا برای تولیدات کشاورزی بالا می رود، کشاورز اغلب تمایلش را به توانایی در جهت افزایش تولید از دست می دهد. تقاضای کشاورز برای کالاهای مصرفی غیر کشاورزی محدود به زمانی است که قیمتتهای کشاورزی در ارتباط با قیمتتهای تولیدات صنعتی بالا می رود. کشاورز می تواند نیاز خودش را با تلاش کمتر از قبل به دست آورد و عکس العمل او در دوره بعد کار کمتر خواهد بود. فراتر از آن، حتی اگر بخواهد محصولش را افزایش دهد توانایی او بسیار محدود شده و دارایی اش بسیار اندک است. او منابع خود را برای خرید بذر و کود بهتر و بیشتر از دست می دهد. وسایل آبیاری را

نیز باید از دست بدهد. بنابراین، بدون دریافت هیچ کمکی از دیگران (کارگزاران) تلاشهای کشاورز در جهت افزایش بازده خود حتی با بهترین چاهها در جهان بی‌ثمر خواهد بود. به این ترتیب، در حالت فقدان کشش عرضه برای کالاهای مصرفی، طرح توسعه، تورمی بزرگگرا فراهم خواهد آمد و در مراحل اولیه توسعه خطر تورم پراستی مشهود است و علت آنکه نیاز فوری به سرمایه‌گذاری در جهت ایجاد یک نظام مناسب حمل و نقل و ارتباطات وجود دارد همین است چنین سرمایه‌گذاریهایی مثل هر نوع هزینه سرمایه‌گذاری ایجاد تقاضا می‌نمایند در حالی که مستقیماً "به عرضه کالاهای مصرفی اضافه نمی‌کند". به اعتقاد همه ایند، لایحه کسری مالی در کشورهای توسعه نیافته عوامل بالقوه تورم زایی را در بر دارد که بطور



دقیق باید با آنها مقابله کرد و آنها را تحت کنترل درآورد.

عدم ضرورت تورمی

همانطور که قبلاً اشاره شد اعمال سیاست کسری مالی در جهت افزایش خالص عرضه پول، در سطح کل عمل می‌نماید. البته ارتباط مستقیمی بین افزایش عرضه پول و افزایش تورم در قیمت‌ها وجود ندارد. اگر برای مثال پولی را که تازه ایجاد شده، ذخیره و یا پس انداز گردد، هیچ نوع فشار تورمی ایجاد نمی‌کند، اما اگر برعکس آن، پول جدید در جهت ایجاد اشتغال اضافی برای عدم اشتغال کنونی و یا به کارگیری نیروی کار تازه استفاده شود، مقدار بسیار زیادی از آن خرج می‌گردد، و در نتیجه به حجم تقاضای موثر اضافه می‌شود. اگر عرضه اضافی

کالاهای مصرفی به کمک سرمایه‌گذاری اضافی فراهم گردد، مجدداً فشارهای تورمی ایجاد می‌شود و عرضه و تقاضا در سطحی بالاتر به تعادل خواهند رسید. جنبه تورمی کسری مالی همچنین بستگی به امکان گسترش پولی اقتصاد دارد. در حالت صدم درصد پولی، نسبت به مقدار معین کسری مالی، فشار تورمی کمتری به ظهور می‌رسد. تازمانی که تنها قسمتی از آن پول باشد. در حالت وجود بخش غیر پولی افزایش عرضه، برخلاف زمانی که محصول در معامله‌های پولی داخل می‌شود، میل به مصرف نیی بر جنبه تورمی کسری مالی اثر می‌گذارد.

زمانی که میل به مصرف کم است، اثر تورم نیز کاهش می‌یابد و وقتی که میل به مصرف بالا می‌رود، فشارهای تورمی افزایش خواهد یافت. میل به مصرف در کوتاهی مدت ثابت است و اثر تورم نمی‌تواند از طریق میل‌هایی به مصرف توجیه شود. برعکس جنبه تورمی کسری مالی زمانی که میل‌هایی به پس انداز یا است، کمتر خواهد شد و برعکس، همچنین فشار تورمی بوسیله کسری مالی زمانی ایجاد می‌شود که میزان کسری مالی بستگی به کل درآمد ملی داشته باشد. به عبارت دیگر وقتی که مقدار محصول ملی متناسب با کسری مالی افزایش یابد، قیمت‌ها نیز متناسب با آن عمل می‌کنند و اثر تورمی کمتری ظاهر می‌شود. اگر کسری مالی به سمت افزایش به‌رهوری منابع بلا استفاده، اقتصادی هدایت و منجر به افزایش محصول گردد، اثر تورمی را خنثی خواهد نمود. جنبه تورمی کسری مالی همچنین بستگی به اهمیت هزینه عمومی دارد. اگر هزینه عمومی فقط به درآمدهای پولی اضافه شود بدون اینکه ایجاد افزایش در محصول نماید، اثر تورمی بیشتر خواهد شد و اگر هزینه عمومی در جهت تولید کالاهای خدمات حرکت کند، اثر کمتری شود. بطور کلی، کسری مالی فشارهای تورمی ایجاد خواهد کرد مگر اینکه عرضه کالاهای کافی و سریعی افزایش یابد. مدیریت تورم بستگی به کنترل موثر دولت، تعاون عمومی و چشم انداز آینده دارد.

به حداقل رساندن اثرات تورمی بالقوه کسری مالی

معیارهای زیر اثرات تورمی بالقوه کسری مالی را به حداقل می‌رساند:

مدت زمان طولانی در مقابل اثر تورمی کسری مالی عمل نماید.

نتیجه

بحث بالا شامل میزان و محدودیت‌های کسری مالی می‌شود. کسری مالی جایگاه ویژه‌ای در توسعه مالی دارد. مادریک محدوده خاص که حفظ این محدوده مورد تاکید است، گسترش کسری مالی بستگی به توانایی صادر جهت کنترل فشارهای تورمی بوسیله نگهداشتن تقاضا در حد مناسب از طریق افزایش همزمان تولید دارد. حقیقتاً " مایه خوشوقتی است که از طریق قاعده و نظم و تلاش سخت و تشخیص خطرات تورم، کشور ما دارای یک امتیازی نظیر ارتباط با کنترل موفقیت آمیز تورم و در حقیقت دستیابی به یک نرخ قابل قبول تورم بشود. این راه برای رشد اقتصادی همراه با ثبات بایستی همسوار شود.



۱- سیاست مالی: از طریق سیاست ضد تورمی مالی، فشارهای تورمی ایجاد شده بوسیله کسری مالی به مقدار زیادی می‌تواند کنترل شود که این بستگی به ایجاد مالیات بردرآمد و مصرف و کاهش هزینه‌های غیر ضروری دولت دارد. از طریق معیارهای مختلف مالیاتی، دولت می‌تواند، قسمتی از درآمدهای افزایشی ایجاد شده را بوسیله هزینه‌های توسعه، خاتمه دهد. تمام این معیارها و ابزارها، فشار تقاضا بر روی کالاها و خدمات موجود را کاهش می‌دهد.

۲- سیاست پولی: بوسیله پذیرش یک سیاست پولی محدود، سرمایه‌گذاری خصوصی غیر اساسی می‌تواند تحت کنترل واقع شود و در نتیجه از منابع باقیمانده، در جهت گسترش سرمایه‌گذاری اساسی استفاده گردد.

۳- کنترل‌های اقتصادی: از طریق کنترل‌های اعتباری و کنترل‌های مالی و فیزیکی، دولت می‌تواند بر رفتار سرمایه‌گذاری خصوصی اثر بگذارد و آن را در جهت مورد نظر هدایت نماید. برای مثال، مواد کمیاب می‌تواند جیره بندی شود و فعالیت‌های ساختمانی می‌تواند بوسیله اوراق جدید سرمایه در رابطه با شرکتها کنترل گردند.

۴- تعیین موقعیت مناسب برای منابع: تمام معیارهای بالا به منظور کاهش فشار تقاضا مطرح شدند. اما تلاشها بطور همزمان باید در جهت افزایش عرضه محصول و کالاهای مصرفی باشد. در این ارتباط، یک موازنه مناسب می‌باید میان صنعت و کشاورزی و صنایع سنگین و سبک برقرار و حفظ شود. بخش کشاورزی عرضه کننده مزد و کالا بطور اساسی است. بنابراین، یک برنامه توسعه اقتصادی که بر افزایش تولیدات کشاورزی تاکید می‌نماید باید در جهت مبارزه با مشکلات تورمی به کار گرفته شود. بطور مشابه نیازهای صنعتی سرمایه‌گذاری کوچک و رشد سریع آنها باید مورد تاکید قرار گیرد.

۵- توسعه مازاد واردات: عرضه کالاهای مهم بوسیله مازاد واردات می‌تواند افزایش یابد. به هر حال حسی وجود دارد که یک کشور می‌تواند مازاد واردات داشته باشد این حد بوسیله، منابع موجود از خارجی که قبلاً جمع‌آوری شده و یا از طریق دریافت وام‌های خارجی حاصل شده است ایجاد می‌گردد. به این ترتیب سیاست پولی و مالی مناسب می‌تواند در یک جهت مناسب در